

نخستین قدم با برای پاکی

قسمت هشتم

اشک

سعد حساری

نکته عملی

گریه بر سیدالشهداء علیه السلام پاک

کننده ذنوب

تباکی جایگزین گریه و بُكاء

تذکر مهم

درمان خشکی چشم

ختم و دعا

مقدمه

گناه؛ سبب دوری

ورع سبب نزدیکی

اشک و تضرع در درگاه الهی

نقش تضرع و گریه در ترک معاصی

اثر دفعی و رفعی

۱- اثر رفعی

۲- اثر دفعی

نخستین قدم با برای پایی قسمت هشتم

اشک

مقدمه

در نوبت‌های پیشین گفته شد که مطابق آیات و روایات شریفه، هدف از خلقت انسان قرب حق تعالی و آرام گرفتن در جوار او و در نهایت ملاقات با آن ذات مقدس است که اهل معرفت از آن به لقاءالله یاد کرده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ - ای انسان، حقاً که تو به‌سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق/۶)

در حدیث قدسی خدای متعال چنین فرموده است: «یا بن آدم! خلقتُ الأشياءَ كُلَّهَا لِأَجْلِكَ، و خلقتُكَ لِأَجْلِي، و أنت تَفِرُّ مِنِّي - ای فرزند آدم! همه‌ی اشیاء را برای تو آفریدم و تو را برای (وصال) خویش ساختم، در حالی که تو از من فرار می‌کنی.»^۱

گناه؛ سبب دوری

حال که معلوم شد هدف انسان در زندگی، تقرب به خدای متعال و ملاقات با اوست، باید دانست که هیچ چیزی مانند گناه و معصیت، انسان را از خدا دور نمی‌کند و هیچ امری مانند معاصی، باعث فساد اعتقادی و عملی انسان نمی‌شود. گناه نه تنها باعث دوری از خدا و اولیاء الهی می‌شود، بلکه حال معنوی گنهکار در اثر گناه چنان وخیم می‌گردد که منکر بسیاری از امور اعتقادی مانند معاد می‌شود.

قرآن کریم در این باره چنین فرموده است:

«تُمْ كَانْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاوُ السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ - سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند.» (روم/۱۰)

«یک نگاه به صفحات تاریخ زندگی بسیاری از یایان و جانیان نشان می‌دهد که آن‌ها در آغاز کار چنین نبودند حد اقل نور ضعیفی از ایمان در قلب آن‌ها می‌تابید ولی ارتکاب گناهان پی‌درپی سبب شد که روز به روز از ایمان و تقوا فاصله بگیرند و سرانجام به آخرین مرحله‌ی کفر برسند. در خطبه معروف حضرت زینب سلام‌الله‌علیها که در شام در مقابل یزید ایراد فرمود نیز این آیه با همین برداشت آمده است.

هنگامی که یزید با گفتن کلمات کفرآمیز و اشعار معروف "لعبت هاشم بالملک..." که بیانگر عدم ایمان او به اساس اسلام بود همه چیز را به سخریه گرفت، آن حضرت بعد از حمد الهی و درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین فرمود: صدق الله كذلك يقول ثمَّ كَانْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاوُ السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ^۱

همچنین می‌فرماید: «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ وَ مَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كَلِمٌ مُّعْتَدِ أَثِيمٍ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان! همان‌ها که روز جزا را انکار می‌کنند. تنها کسی آن را انکار می‌کند که متجاوز و گنه‌کار است! (همان کسی که) وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این افسانه‌های پیشینیان است! چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است.» (مطففین/۱۰ تا ۱۴)

مطابق این آیات شریفه، گنه‌کاران منکر روز قیامت هستند و علت این انکار، زنگاری ذکر شده که در نتیجه گناهان بر دل‌شان نشسته و مانع از فهم حقایق است.

ورع سبب نزدیکی

از آن طرف باید توجه داشت هیچ امری چون ترک معاصی و ورع نسبت به محارم الهی، باعث گرامی شدن بنده نزد خدای متعال نمی‌شود چنان‌که خود آن ذات مقدس به این امر تصریح فرموده: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ - گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» (حجرات/۱۳)

در حدیث قدسی خدای متعال به حضرت داود علیه‌السلام چنین فرموده است: «یا داوُدُ لَوْ يَعْلَمُ الْمَدْبِرُونَ عَنِّي كَيْفَ أَنْتَظِرِي لَكُمْ وَ رَفَقِي بِكُمْ وَ شَوْقِي إِلَيَّ تَرَكِ مَعْصِيَهُمْ لَمَأْتُوا شَوْقًا إِلَيَّ وَ تَقَطَّعَتْ أَوْصَالُهُمْ مِنْ مَحَبَّتِي - ای داود، اگر روی گردانان از من بدانند که چه انتظاری برای آنان می‌کشم و چه مهری به آنان می‌ورزم و چه اشتیاقی به ترک معاصی از سوی آنان دارم، هر آینه از شوق به من بمیرند و از عشق به من بندهای بدنشان از هم بگسلند.»^۱

در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى، مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَخَارِمِي؛ فَإِنِّي أُبِيحُهُمْ حَنَاتٍ عَدَنٍ لَا أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا - در ضمن آن چه خدای عزوجل با موسی علیه‌السلام نجوا فرمود، این بود که: ای موسی! تقرب جویندگان به من، به چیزی مانند پرهیز از محرما تم تقرب نجسته‌اند. همانا من اقامت در بهشت‌های جاودان را به آن‌ها اجازه دهم و دیگری را با آن‌ها شریک نسازم (یعنی بهشت‌های عدن، مختص پرهیزگاران از گناهان است).»^۲

این روایات شریفه به روشنی راه تقرب به پروردگار و نزدیکی به او را ترک معاصی و پرهیز از محرما ت ذکر نموده‌اند. بنابراین سَلَاكُ إِلَى اللَّهِ باید دامن همت بر کمر زده و سعی بلیغ در ترک محرما ت الهی نموده و از ذلت معصیت به عزت طاعت و بندگی پناهنده شوند. امام صادق علیه‌السلام به سفیان ثوری فرموده‌اند:

«يَا سَفْيَانَ مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ غِنًى بِلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَلْيَنْفُلْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ - ای سفیان هر کس که بخواهد با نداشتن فامیل به عزت برسد و با نداشتن ثروت بی‌نیاز گردد و با نداشتن قدرت در دل‌ها هیبت به هم رساند می‌بایست از زیر بار ذلت گناه و نافرمانی خداوند بیرون آمده و تاج عزت فرمانبری خدای را بر سر نهد.»^۳

۱. میزان‌الحکمه، باب ۴۷۷، حدیث ۱۸۳۱۸. ۲. اصول کافی طبع دار‌الحدیث؛ ج ۳؛ ص ۲۰۷. ۳. الخصال؛ ج ۱ ص ۱۶۹

به همین جهت که راه منحصر حرکت به جانب خدای متعال، ترک گناه و پرهیز از معاصی است، و ترک گناه جز با شناخت راه‌های ترک گناه و داشتن برنامه جهت مبارزه و مقابله با گناه میسر نیست، از این روی با استفاده از آیات کریمه و روایات شریفه و کلمات بزرگان از اهل سلوک، شروع به ارائه برنامه‌ای جامع جهت موفقیت در ترک گناهان نمودیم که مواردی چون تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاتبه، ضبط خیال و تذکر در شماره‌های پیشین مورد بحث و بررسی قرار گرفت و اکنون قصد آن داریم که یکی دیگر از اموری که در ترک معصیت و قلع ماده گناه سهم به‌سزائی دارد را معرفی نمائیم که آن چیزی نیست جز «اشک و آه و ناله و تضرع در درگاه الهی»، تا آن‌که خدای متعال در اثر این تضرع به انسان توجه نموده و او را در مسیر بندگی و سیر معنوی یاری فرماید.

اشک و تضرع در درگاه الهی

سوز دل و اشک چشم، به لحاظ معرفتی و تاثیر، از اهمیت خاصی در سازندگی بُعد انسانی و سلوک به سوی خدای متعال برخوردار است تا آن‌جا که در کتاب‌های عرفانی و سلوکی، بکاء و اشک یکی از رفتارهای ضروری برای اهل سلوک و ایمان، شمرده شده است. مسأله‌ی گریه و ناله و تضرع در درگاه الهی در آیات و روایات متعدد و کثیری مورد توجه قرار گرفته است. خدای متعال وقتی انبیاء را برای اقوامی می‌فرستاد مردم را به بلا مبتلا می‌کرد تا حالت تضرع یابند و دل‌هایشان نرم شود و دین خدا را بپذیرند. آیه شریفه در این باره می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَآخَذْنَاھُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّھُمْ يَتَضَرَّعُونَ * فَلَوْلَا إِذْجَاءھُمْ بِأَسْنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُھُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - محققاً (پیامبرانی را) فرستادیم به سوی امت‌هایی پیش از تو، پس آنان را به بلا و مصیبت گرفتار ساختیم، شاید (در برابر خداوند و عظمت او) احساس حقارت و کوچکی کنند. پس چرا هنگامی که بلای ما به سوی‌شان آمد تضرع و زاری نکردند و (توبه نمودند تا نجات پیدا کنند، که اگر تضرع کرده بودند نجات می‌یافتند) ولیکن دل‌هایشان سخت و سنگین شد و شیطان آن‌چه را (که از اعمال زشت) می‌کردند در نظرشان زیبا جلوه داد.» (انعام/۴۲ و ۴۳)

از آیه شریفه ۴۳ معلوم می‌شود که علت عدم تضرع این اقوام در برابر قضای الهی، سخت شدن قلوب آنان و فریب شیطان بوده است. بنابراین یکی از راه‌های مبارزه با شیطان و خضوع قلبی در برابر خدای متعال و دستورات او، تلاش در تضرع و تذلل و استکانت در درگاه الهی است.

روایات نیز درباره‌ی فضیلت گریه و تضرع در درگاه الهی، در حد تواتر بوده و مرحوم شیخ حر عاملی رحمت‌الله‌علیه در کتاب شریف وسائل‌الشیعه بابی به نام «بَابِ اسْتِحْبَابِ كَثْرَةِ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۱ منعقد نموده و پانزده روایت ذکر فرموده است. در دیگر از جوامع روایی مانند اصول کافی نیز ابوابی درباره‌ی بُكاء و گریه و فضیلت آن وجود دارد که ما با ذکر چند روایت در این خصوص بحث خود را ادامه می‌دهیم:

امام صادق صلوات الله علیه فرموده‌اند:

«كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ابْنُكَ عَلَى نَفْسِكَ بُكَاءً مَنْ قَدْ وَدَّعَ الْأَهْلَ فَلَئِذَا الدُّنْيَا وَ تَرَكَهَا لِأَهْلِهَا وَ صَارَتْ رَغْبَتُهُ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ - در راز گویی خداوند با عیسی بن مریم علیه‌السلام آمده است که خداوند فرمود: ای عیسی! بر نفس خود گریان باش چونان کسی که با خانواده خود در حال وداع است و بی‌مهری دنیا را در دل دارد و آن‌را برای اهل دنیا واگذارده است و میل و رغبتش تنها به چیزی است که در نزد خداست.»^۲

در حدیث دیگری امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«كَانَ اسْمُ نُوحٍ عَبْدَ الْعَمَّارِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحًا لِأَنَّهُ كَانَ يَنْوُحُ عَلَى نَفْسِهِ - نام حضرت نوح علیه‌السلام، عبدالعقار بود ولی چون بسیار بر نفس خود نوحه و زاری داشت نوح نامیده شد.»^۳

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

«كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ - هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم: چشمی که از خوف خدا بگرید و چشمی که [از دیدن] حرام‌های الهی فرو بسته شود و چشمی که در راه خدا شب‌زنده‌داری کند.»^۴

این روایات شریفه مطلوبیت گریه بر نفس خویشتن و بدی‌های خود، و محبوبیت زاری از خوف و خشیت حضرت حق را بیان کرده و انسان را تشویق به این امر مهم نموده‌اند.

۱. ج ۱۵، ص ۲۲۳

۲. وسائل‌الشیعه ج ۱۵ ص ۲۲۴

۳. وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۴

۴. اصول کافی، طبع اسلامی، ج ۲، ص ۴۸۲

نقش تضرع و گریه در ترک معاصی

آنچه که در این مقاله منظور و مقصود ماست، نشان دادن نقش اشک و ناله و گریه و تضرع در از بین بردن گناه و غلبه بر نفس اماره و شیطان است. انسان در جهاد اصغر که جهاد با دشمنان دین و آئین است از سلاح مناسب یعنی آهن (شمشیر، نیزه، تفنگ، تانک و...) بهره می‌گیرد. اما در جهاد اکبر که جهاد با نفس اماره و هواهای آن است، دیگر آهن به کار نمی‌آید، بلکه در این میدان رزم آنچه کاربرد دارد، آه است و سوز و گداز در درگاه معبود. امیرمؤمنان و مقتدای عارفان در دعای شریف کمیل چنین عرضه می‌دارد: «يَا مَنْ اسْتَمُّهُ دَوَاءٌ وَ دِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ غِنًا اَرْحَمُ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ - ای خدائی که نامش دوا و یادش شفاست و طاعتش توانگری است، ترحم فرما بر کسی که سرمایه‌اش امید و سلاحش گریه و زاری است.»^۱

حضرت آیت‌الله جوادی آملی حفظه‌الله درباره‌ی این فقره از دعای شریف کمیل چنین فرموده‌اند: «در جهاد اکبر، گریه انسان، تیراندازی او به دشمن است: "و سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ" و باید هر لحظه با اشک و آه، مرزداری و تیراندازی کند؛ شیطان می‌خواهد او را به غفلت بکشاند و او باید به درگاه خدا ناله و زاری کند تا شیطان به سویش نیاید.»^۲

در جای دیگر چنین فرموده‌اند: «باید در این پیکار (جهاد با شیطان) سلاح برگیرد و برای مؤمن اسلحه‌ای جز خواری در پیشگاه خدا و بندگی او نیست که به شکل گریه بر خویشتن بروز می‌کند. چنان که علی علیه‌السلام در نیایشی که به کمیل آموخت فرمود: و سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ. بنابراین، کسی که نه بر تنگی لحد می‌گرید و نه بر تاریکی قبر اشک می‌ریزد و نه بر دوری مسافت و کمی توشه و جز این‌ها گریه می‌کند که همه دهشت‌زا و وحشت‌آفرینند، سلاحی در جنگ با شیطان که در قلب او وسوسه می‌کند، ندارد. اما اگر سلاح برگیرد مناجات با خدا او را نجات می‌دهد و گریه وی را رهایی می‌بخشد، تا به دژ محکم و استوار توحید و ولایت وارد شود و چون داخل گردید، از عذاب ایمن خواهد شد.»^۳

در جای دیگر فرموده‌اند: «امیرمؤمنان علیه‌السلام در دعای کمیل، سلاح مردان الهی را اشک می‌داند: و سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ. برای چیرگی بر اهریمن نفس، باید اهل ناله و لابه و اشک و آه بود و از ترس عذاب الهی گریست. برای پیروزی بر دشمن خارجی نیز باید برای سالار شهیدان اشک ریخت تا خوی دلیری و شهامت و شوق شهادت در جان‌ها زنده شود.»^۴

۲. تفسیر تسنیم، ج ۱۹، ص ۶۵۹

۱. اقبال الأعمال، طبع قدیم، ج ۲، ص ۷۱

۴. شکوفائی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۵۱

۳. کتاب رازهای نماز، ص ۱۸۳

اثر دفعی و رفعی

روایات زیادی دلالت بر اثر دفعی و رفعی اشک و آه در مورد گناهان دارد. اثر دفعی یعنی گریه و تضرع مانع از ابتلا به گناه می‌شود و انسان را نسبت به آن ایمن می‌نماید.

اثر رفعی یعنی تضرع و زاری باعث پاک شدن و از بین رفتن گناهان می‌شود. اکنون به برخی از این روایات اشاره می‌نمائیم:

۱- اثر رفعی

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَكْثَرُ مِمَّا بَيْنَ النَّارِ إِلَى الْعَرْشِ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ يَبْكِيَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَدْمًا عَلَيْهَا حَتَّى يَصِيرَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا أَقْرَبُ مِنْ جَفْنِهِ إِلَى مُقَلَّتِهِ - به درستی که [گاه باشد] بین آدمی و بهشت به‌خاطر گناهان زیادش فاصله‌ای بیش از فاصله زمین تا عرش باشد پس چنین کسی را چاره‌ای نیست جز این که از خوف خدای عزّ و جلّ بگرید و بر گناهان خویش اشک ندامت بریزد تا فاصله‌ی او و بهشت نزدیک‌تر از فاصله پلک چشم تا مردمک چشم شود.»^۱

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند: «الْبُكَاءُ مِنَ خَشْيَةِ اللَّهِ يُبْرِئُ الْقَلْبَ وَ يَعْصِمُ مِنَ مُعَاوَدَةِ الذَّنْبِ - گریه از ترس خدا دل را روشن می‌گرداند، و انسان را از بازگشت به گناه نگاه می‌دارد.»^۲

مرحوم آقا جمال خوانساری در توضیح این روایت چنین فرموده‌اند: «نقش بازداری گریه نسبت به گناه، یا به اعتبار آن است که حق تعالی چنین کسی را توفیق دهد که دیگر گناه نکند، و یا به این اعتبار است که کسی که ترس او از خدای عزّوجلّ به مرتبه‌ای باشد که گریه کند، بعید است که دیگر مرتکب گناه شود.»^۳

در روایت دیگری امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند: «بُكَاءُ الْعَبْدِ مِنَ خَشْيَةِ اللَّهِ مُمَحِّصٌ ذُنُوبُهُ - گریستن بنده از ترس خدا، گناهان او را پاک می‌سازد.»^۴

۱. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۳

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۲

۳. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۲ ص ۱۱۱

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند: «مَنْ بَكَى عَلَيَّ ذَنْبِهِ حَتَّى تَسِيلَ دُمُوعُهُ عَلَيَّ لِحْيَتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ دِيْبَاجَهُ وَجَهَهُ عَلَيَّ النَّارِ - هر کس بر گناه خود چندان گریه کند که اشک‌هایش بر محاسنش (چهره‌اش) روان شود، خداوند چهره‌اش را بر آتش حرام می‌فرماید.»^۱

این چهار روایت به روشنی دلالت بر اثر رفعی گریه نسبت به گناهان دارد چراکه بُکاء و تضرع باعث ریزش گناهان و نزدیک شدن به بهشت و انصراف از بازگشت به گناه می‌شود.

۲- اثر دفعی

اما اثر دفعی تضرع و گریه، نسبت به گناهان نیز در بعضی از آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است. اثر دفعی چنان که پیش‌تر گفته شد، به معنای پیشگیری از گناه است.

امام صادق صلوات‌الله‌علیه فرموده‌اند: «مَا مِنْ عَيْنٍ إِلَّا وَ هِيَ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنًا بَكَتْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَ مَا أَعْرُوزَتْ عَيْنٌ بِمَايَهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ سَائِرَ جَسَدِهِ عَلَيَّ النَّارِ - هیچ چشمی نیست مگر این که در روز قیامت گریان است به جز چشمی که از خوف خدا گریسته است و هیچ چشمی از خوف خدای عزّ و جلّ پر آب نشده است مگر این که خداوند سایر بدن او را بر آتش حرام می‌گرداند.»^۲

در توضیح این روایت شریف باید گفت: معلوم است چشمی که از ترس خدا گریه کرده و حالت تضرع دارد، این ترس، ترس از نافرمانی خداوند و انجام معاصی اوست که خداوند آن را پاداش داده و توفیق ترک گناهان را به او اعطا می‌نماید و به فرموده خود خدا، در روز جزا نیز او را در رفیق‌الاعلی پذیرائی می‌نماید.

«فَقَالَ يَا مُوسَىٰ أَمَا الْمُتَّقُونَ لِي بِالْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَتِي فَهُمْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ - ای موسی! اما آنان که به واسطه گریستن از خوف من به من نزدیک گشته‌اند آنان در مرتبه همجواری با رفیق‌الاعلی (معشوق و دوست برتر) هستند و هیچ کس در این مقام با آنان شریک نیست.»^۳

حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه‌الله درباره‌ی اثر دفعی تضرع در درگاه الهی چنین

۱. بحار الانوار، طبع بیروت، ج ۹۰، ص ۳۳۵

۲. وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۷

۳. وسائل‌الشیعة ج ۱۵ ص ۲۲۶

فرموده‌اند:

«برای نجات از این دشمن خطرناک (شیطان) چاره‌ای جز ذکر مداوم نیست؛ چنان که باید یاد خدا را در نهاد و نهان، با ناله و لابه، زنده نگه داشت: (وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً - پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف... یاد کن) (اعراف/۲۰۵)؛ باید شیطان را دشمن بدانیم، او را رجم کنیم و هرگاه به سراغ ما آمد به خدا پناه ببریم؛ زیرا خدای سبحان خود را دوست ما و شیطان را دشمن ما می‌داند و به ما وعده دفاع داده: (إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا - خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند) (حج/۳۸)، می‌فرماید: به محض این که شیطان حمله کرد و خواست فریبتان دهد به خداوند پناه ببرید: (وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ - و هر گاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر) (اعراف/۲۰۰ - فصلت/۳۶)»^۱

حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بارها در کتاب شریف چهل حدیث متذکر شده‌اند که در جهاد با نفس و شیطان و ترک گناه و معصیت، به خودت و تدابیرت امید نداشته باش و با تضرع و زاری از خدای متعال کمک بخواه. اینک به چند نمونه از مواعظ آن بزرگ‌مرد در این باره اشاره می‌کنیم:

«و باز تذکر دهم که در هر حال به خود امید نداشته باش که از غیر خدای تعالی از کسی کاری بر نمی‌آید. و از خود حق تعالی با تضرع و زاری توفیق بخواه که تو را در این مجاهده (جهاد با نفس و شیطان) اعانت فرماید تا بلکه آن‌شاء‌الله غالب آبی. إِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ.»^۲

«پس ای عزیز فکری کن و چاره‌جویی نما و راه نجاتی و وسیله‌ی خلاصی از برای خود پیدا کن. و به خدای ارحم‌الرحمین پناه ببر، و در شب‌های تاریک با تضرع و زاری از آن ذات مقدس تمنا کن که تو را اعانت کند در این جهاد نفس، تا اِنْ شَاءَ اللَّهُ غالب شوی و مملکت [وجودت] را رحمانی گردانی و جنود شیطان را از آن بیرون کنی، و خانه را به دست صاحبش دهی تا سعادت‌ها و بهجت‌ها و رحمت‌هایی خداوند به تو عطا فرماید که تمام چیزهایی که شنیدی از وصف بهشت و حور و قصور پیش آن‌ها چیزی نباشد.»^۳

«و ای عزیز، از خدای تبارک و تعالی در هر آن استعانت بجوی و استغاثه کن در درگاه

۱. تفسیر تسنیم، ج ۳، ص ۳۹۹

۲. شرح چهل حدیث، ص ۱۲

۳. شرح چهل حدیث، ص ۱۴

معبود خود، و با عجز و الحاح عرض کن: بار الهای، شیطان دشمن بزرگی است که طمع بر انبیا و اولیاء بزرگ تو داشته و دارد، تو خودت با این بنده ضعیف گرفتار امانی و اوهام باطله و خیالات و خرافات عاطله همراهی کن که بتواند از عهده این دشمن قوی برآید، و در این میدان جنگ با این دشمن قوی که سعادت و انسانیت مرا تهدید می کند تو خودت با من همراهی فرما که بتوانم جنود او را از مملکت خاص تو خارج کنم و دست این غاصب را از خانه مختص به تو کوتاه نمایم.^۱

نکته عملی:

حال که معلوم شد تضرع و زاری در درگاه حضرت حق سبب ایمنی از ابتلا به گناهان یا سبب آمرزش و بخشش گناهان گذشته است، شایسته است سالک إلی الله وقت معینی در شبانه روز برای این امر مهم قرار دهد و به آن تقید داشته باشد. البته پوشیده نیست که مطابق روایات شریفه بهترین ساعت و زمان برای گریه و لابه در محضر ربوبی، بعد از نیمه شب و هنگام سحر است.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: «مَا مِنْ فُطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ فُطْرَةٍ دُمِعَ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ خَافَةً مِنَ اللَّهِ لَا يُرَادُ بِهَا غَيْرُهُ - هیچ قطره ای در نزد خدا دوست داشتنی تر از قطره اشکی نیست که در تاریکی شب از ترس خدا بدون ریا ریخته شود.»^۲

اما برای افراد مبتدی که تازه پا در مسیر سلوک إلی الله نهاده اند و طاقت سحرخیزی طولانی را ندارند، اوقات دیگر مانند سرشب یا هنگام خواب یا هر وقت دیگری که حال اقتضاء نماید، تضرع در درگاه ربوبی و کمک خواستن از آن ذات مقدس جهت غلبه بر شیطان و نفس اماره موضوعیت داشته و معاونت تام و تمام در خشکاندن ریشه ی معاصی در قلب و جان انسان می نماید. در ضمن مناسب است که این لابه و گریه و تضرع، در قالب ادعیه وارده از معصومین علیهم السلام باشد.

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در تشویق به این امر چنین فرموده اند: «تو که ادعیه و مناجات وارده از ائمه معصومین، سلام الله علیهم، را صحیح می دانی، تو که مناجات مولای متقیان، امیرالمؤمنین، سلام الله علیه، را دیدی، تو که مناجات سیدالسادین، علیه السلام، را

۱. شرح چهل حدیث، ص ۱۸

۲. عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۷۱

در دعای ابوحزمه دیدی، قدری تأمل کن در مضمون آن‌ها، قدری تفکر نما در فقرات آن‌ها. لازم نیست یک دعای طولانی را یک دفعه با عجله و شتاب بخوانی و تفکر در معانیش نکنی، بنده و شما حال سید سجّاد، علیه‌السلام، را نداریم که آن دعای مفصل را با حال بخوانیم، شبی یک ربع آن را، یک ثلث آن را، با حال بخوان و تفکر کن در فقراتش شاید صاحب حال شوی.»^۱

گریه بر سیدالشهداء علیه‌السلام پاک کننده ذنوب

امام رضا علیه‌السلام خطاب به ریان بن شیبب در روز اول محرم چنین فرموده‌اند:

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحُ جَفُونَنَا وَ أَسْبَلُ دَمُوعَنَا وَ أَذَلُّ عَزِيزَنَا، ... فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلَيبِكُ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبِكَاءَ عَلَيْهِ يَحِطُّ الذَّنُوبَ الْعِظَامَ - كَشْتَهَ شَدْنَ إِمَامِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَشْكَ هَايَ مَا رَا رِيْزَانَ وَ پَلَكُ چَشْمَانَ مَا رَا مَجْرُوحَ وَ دَر كَرَبَلَا عَزِيْزَ مَا رَا ذَلِيْلَ كَرَد... گريه كنندگان بايد بر حسين عليه‌السلام گريه كنند زيرا گريه بر او، گناهان بزرگ را مي‌ريزد.»

«يا بن شيبب ان بكيت على الحسين حتى تصير دموعك على خديك غفر الله لك كل ذنب اذنبته صغيرا كان او كبيرا و ان اسرك ان تلقى الله عز و جل و لا ذنب عليك فزر الحسين عليه السلام - اي پسر شيبب اگر بر حسين عليه‌السلام گريه كني تا اشك بر گونه‌هايت روان شود، خداوند تمام گناهانت از كوچك و درشت و كم و زياد را بيامرزد. اي پسر شيبب اگر مي‌خواهي خدا را ملاقات كني در حالي كه گناهي نداشته باشي، حسين عليه‌السلام را زيارت كن.»^۲

امام باقر عليه‌السلام فرمود كه حضرت علي بن الحسين عليه‌السلام مكرر مي‌فرمودند:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دُمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا - هر مؤمني كه براي كشته شدن حسين بن علي عليه‌السلام قطره‌اي اشك بريزد و بر گونه‌اش جاري گردد، خداوند او را در ساختمان‌هاي بلند بهشت منزل مي‌دهد تا روزگاري در آن جا زندگي كند.»^۳

مرحوم آيت الله پهلواني رحمت‌الله‌عليه در توضيح رواياتي كه تشويق به گريه بر

۱. شرح چهل حديث، ص ۲۲

۲. رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار؛ ج ۱؛ ص ۱۸۷

۳. كامل الزيارات؛ النص؛ ص ۱۰۰

سیدالشهداء علیه السلام نموده‌اند چنین فرموده‌اند: «هنگامی که بنده‌ای صفت رحمت (یعنی گریه کردن) را برای بهترین خلق خدا (امام حسین علیه‌السلام) ظهور دهد، خداوند هم رحمت بی‌انتهایش را شامل وی خواهد نمود، به گونه‌ای که هیچ گناهی بر او نماند. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ حَنَاحِ بَعُوضَةٍ [الدُّبَابِ] غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ - هر کس ما را یاد کند و از چشمانش اشک آید، اگرچه به اندازه بال پشه‌ای (مگسی) باشد، گناهانش آمرزیده می‌شود اگرچه به اندازه کف دریا باشد.»^۱

تباکی جایگزین گریه و بُكاء

گاهی انسان علاقمند به گریه و ناله و لابه در درگاه الهی است اما بنا به عللی، موفق به گریه و زاری نشده و اشکش جاری نمی‌شود. در این موارد که فرد توان گریه کردن از خوف خدا را ندارد، نباید ناامید شود و سنگر تضرع و شکستگی در درگاه ربوبی را ترک و سلاح گریه و بکاء را بر زمین گذارد؛ چرا که در این صورت خلع سلاح شده و شیطان بر او مسلط شده و به ناچار مبتلا به گناهش می‌نماید. بنابراین شایسته است این فرد که قصد سیرِ اِلی‌الله را دارد، مطابق توصیه روایات شریفه خود را به حالت بُكاء زده و حالت تضرع و ناله را به خود بگیرد، شاید که مشمول عنایات حضرت حق جلّ و علا قرار گرفته و صاحب دلی سوزان و اشکی روان گردد. ان شاء الله. اکنون به برخی روایات در این باره اشاره می‌کنیم:

سعید بن یسار می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: «أَتَبَاكِي فِي الدُّعَاءِ وَ لَيْسَ لِي بُكَاؤٌ قَالَ نَعَمْ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ - اگر در حال دعا اشکی از چشمانم جاری نشد، آیا می‌توانم تباکی داشته باشم؟ فرمود: بله حتی اگر به اندازه سر مگسی باشد.»^۲

در حدیث دیگری آن حضرت فرموده‌اند: «إِنْ لَمْ يُجِبْكَ الْبُكَاؤُ فَتَبَاكُ فَإِنْ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلُ رَأْسِ الدُّبَابِ فَبِحْ بَخٍ لَآگَر (هنگام دعا و مناجات) گریه‌ات نمی‌آید خودت را به حالت گریه درآور. پس اگر به اندازه سر سوزنی از تو اشک جاری شد خوشا به حالت.»^۳

تذکر مهم:

۱. کتاب فروغ شهادت، فصل ۲۰، ص ۲۸۲

۲. عدة الداعی و نجاج الساعی، ص ۱۷۳

۳. عدة الداعی و نجاج الساعی، ص ۱۷۴

باید توجه داشت تضرع و ناله در محضر ربوبی و کمک خواستن از آن ذات مقدس برای ترک معاصی، اگرچه امری مهم و لازم و ضروری است اما کافی نیست. انسان به موازات این ناله و لابه باید همت مردانه خویش برای مراقبه و مجاهده با نفس را به کار گیرد و عزم بر ترک معاصی داشته باشد. بنابراین شایسته است این تضرع و توجه به حضرت حق، همراه با حالت مراقبه و محاسبه باشد که سابق متعرض آن‌ها شده‌ایم. جناب ابن فهد حلی صاحب کتاب شریف عده‌الداعی و نجاج الساعی، که از علمای بزرگ شیعه می‌باشد در این باره چنین فرموده‌اند:

«بدان که گریه از گناهان و فریاد و زاری به حق تعالی، صفاتی دوست داشتنی هستند ولی بدون کناره‌گیری از گناهان و توبه، مفید نیست. سیدالعابدین علی‌بن‌الحسین علیه‌السلام فرمود: گریه‌ای که در آن اشک باشد ولی همراه ورع و پرهیزکاری نباشد که جلوی معاصی را بگیرد، گریه ترس از خدا نیست، و این ترس کاذبی است. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که حضرت موسی علیه‌السلام به یکی از اصحابش در حال سجده گذشت، کارش را انجام داد و برگشت، باز هم او را در حال سجده دید. حضرت موسی علیه‌السلام فرمود: اگر حاجت تو در دست من بود آن را روا می‌کردم. خدای تعالی به او وحی فرمود: ای موسی! اگر آن قدر سجده کند که گردنش قطع شود (او را نمی‌بخشم) مگر از آن چه مورد خشم من است (گناه) به سوی آن چه که مورد رضایت من (اطاعت) است برگردد.»^۱

درمان خشکی چشم

باید توجه داشت که مهم‌ترین علت خشکی چشم و ناتوانی در گریه کردن، بیماری مهم و خطرناک قساوت قلب است. قساوت در لغت به معنی غلظت، شدت و صلابت قلب است. وقتی گفته می‌شود: قَسَا قَلْبُهُ؛ یعنی قلبش مانند سنگ سخت است. و در اصطلاح اخلاق به معنی قلب کسی است که از دیدن ناراحتی و رنج و مصیبت دیگران متاثر نمی‌شود و دلش به رحم نمی‌آید و برای کسی دلش نمی‌سوزد. برخی از اموری که در درمان قساوت قلب مناسب هستند و در روایات ما به آن‌ها اشاره شده عبارتند از:

اجتناب از پرخوری، اجتناب از مجالس لهو و لعب، کمک به مستمندان و دلجویی از

ایتام و افراد بی‌سرپرست، معاشرت با افراد صالح و نیکوکار و نشست و برخاست با علماء و شخصیت‌های برجسته و وزینی که خود مظهر صفا و تقوا هستند؛ رفتن به عیادت بیماران، رفتن به زیارت اهل قبور و یاد مرگ، دست کشیدن به سر یتیمان و دل‌جویی از ایشان.

در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

« مَنْ أَنْكَرَ مِنْكُمْ قَسَاوَةَ قَلْبِهِ فَلْيَدْنُ يَتِيمًا فَيَلَاطِفْهُ وَ لِيَمْسَحْ رَأْسَهُ يَلِدُ قَلْبُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ لِلْيَتِيمِ حَقًّا - اگر کسی از قساوت قلب خود ناراحت است، پس به یتیمی نزدیک شود و با او ملاطفت نماید و بر سر او دست نوازش بکشد، به اذن الهی قلبش نرم خواهد شد، زیرا این حق یتیمان است.»^۱

یاد خدا دل را نرم و آرام می‌کند؛ عبادت سبب صفای دل و زدودن حالت قساوت است؛ تلاوت قرآن با توجه به آیات الهی و طلب صفای دل از خداوند نیز از دیگر امور از بین برنده‌ی قساوت قلب هستند.

به لحاظ فیزیکی خوردن عدس در ایجاد حالت رقت و جوشش اشک بسیار مؤثر است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص فرموده‌اند: «شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَسَاوَةَ قُلُوبِ قَوْمِهِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مُصَلَّاهُ أَنْ مُرَّ قَوْمَكَ أَنْ يَأْكُلُوا الْعَدَسَ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ وَ يُذْمَعُ الْعَيْنَ وَ يُذْهِبُ الْكِبْرِيَاءَ وَ هُوَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ - پیامبری از قساوت قلب قومش نزد خداوند شکایت نمود، در هنگام نماز به او وحی شد که به ایشان دستور ده که عدس بخورند، زیرا عدس قلب را رقیق می‌کند، اشک را جاری می‌کند، احساس کبر را می‌زداید و غذای نیکان است.»^۲

امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَيَكُمْ بِالْعَدَسِ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ مُقَدَّسٌ يُرَقِّقُ الْقَلْبَ وَ يُكْتَبُ الدَّمْعَةُ وَ قَدْ بَارَكَ فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا آخِرُهُمْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَام - پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من فرمودند: بر شما باد به خوردن عدس، زیرا آن مبارک و پاکیزه است، قلب را رقیق و اشک چشم را زیاد می‌کند، و هفتاد پیغمبر که آخر ایشان عیسی بن مریم علیه‌السلام است درباره‌ی برکت آن دعا کرده‌اند.»^۳

ختام و دعا:

۲. مکارم الأخلاق طبرسی، ص ۱۸۸

۱. من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۸۸

۳. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام؛ ج ۲؛ ص ۴۱

در پایان این نوشتار گوش جان به دم مسیحایی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه می‌سپاریم، به این امید که مواظت تکان دهنده‌ی ایشان در قلب قاسی ما اثر نموده و راه حرکت به جانب حق تعالی بر ما سهل و آسان گردد:

«ای عزیز، ای مطالعه کننده این اوراق، عبرت کن از حال این نویسنده که اکنون در زیر خاک و در عالم دیگر گرفتار اعمال زشت و اخلاق ناهنجار خویش است، و تا فرصت داشت به بطالت و هوی و هوس عمر عزیز را گذاراند و آن سرمایه الهی را ضایع و باطل کرد، تو ملتفت خود باش که نیز روزی مثل مایی و خودت نمی‌دانی آن چه روز است، شاید الان که مشغول قرائتی باشد. اگر تعللی کنی، فرصت از دست می‌رود. ای برادر من، این امور را تعویق نینداز که تعویق انداختنی نیست. چه قدر آدم‌های صحیح و سالم با موت ناگهانی از این دنیا رفتند و ندانیم عاقبت آن‌ها چیست؟ پس فرصت را از دست مده و یک دم را غنیمت شمار که کار خیلی اهمیت دارد و سفر خیلی خطرناک است. دستت از این عالم، که مزرعه‌ی آخرت است، اگر کوتاه شد، دیگر کار گذشته است و اصلاح مفسد نفس را نتوانی کرد، جز حسرت و حیرت و عذاب و مذلت نتیجه نبوی. اولیای خدا آنی راحت نبودند و از فکر این سفر پر خوف و خطر بیرون نمی‌رفتند. حالات علی بن‌الحسین، علیهما السلام، امام معصوم، حیرت‌انگیز است. ناله‌های امیرالمؤمنین، علیه السلام، ولی مطلق، بهت آور است. چه شده است که ما این طور غافلیم؟!»

«وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَ جَاءَكُمُ التَّذِيرُ فُدُّوْا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ -

آن‌ها در دوزخ فریاد می‌زنند: پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آن‌چه انجام می‌دادیم! (در پاسخ به آنان گفته می‌شود): آیا شما را به اندازه‌ای که هر کس اهل تذکر است در آن متذکر می‌شود عمر ندادیم، و اندازکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یآوری نیست! (فاطر/۳۷)